

فصلنامه‌ی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

سال اول - شماره‌ی ۱ - بهار ۸۹

صص ۱-۱۸

## بررسی و مقایسه‌ی مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر شاخه‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش دوره‌ی متوسطه‌ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی

ناصر عباس زاده<sup>۱</sup>، فاطمه یوردخانی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه‌ی مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دختر و پسر سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی در سال ۱۳۸۷-۸۸ بوده است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی و جامعه‌ی آماری ۳۰۴۱ دانش‌آموز از سه مقطع متوسطه‌ی شهر گرمسار بود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۳۴۲ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود که ضریب پایایی آن بیش از ۰/۸۵ محاسبه شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های کریسکال والیس و یومن ویتنی تجزیه و تحلیل گردید. در سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش در متغیرهای پیشرفت تحصیلی، اهمیت سازمان، حل مشکل، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، خویش‌پنداری، جهت‌یابی به خانواده و جهت‌یابی به آینده اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد، ولی در متغیرهای رفتار همکارانه و آماده‌برای تغییر اختلاف معنی‌دار بود. در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و جهت‌یابی به آینده بین دختران و پسران با اطمینان دست کم ۰/۹۵ و در متغیر آماده‌برای تغییر، بین دختران و پسران با اطمینان ۰/۹۳۲ اختلاف وجود داشت، ولی در مورد متغیرهای اهمیت سازمان، حل مشکل، خویش‌پنداری و جهت‌یابی به خانواده تفاوتی معنادار مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های زندگی، دوره‌ی متوسطه، الگوی وایلز و باندی

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار dr.naser.abaszadeh@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

## مقدمه

بررسی رویدادها و مسائلی که تمامی جوامع، در زمان‌های گوناگون با آن رو به رو بوده‌اند، این پرسش را به ذهن می‌رساند که آیا بسیاری از فنون زندگی از جمله رویارویی، کنترل، اعتماد به نفس و سایر مهارت‌های مربوطه آموزش پذیرند یا نه؟! امروزه بیش تر کشورها با افزایش کمی آسیب‌های اجتماعی، کاهش سن افراد در معرض آسیب، نداشتن توجه جدی به برنامه‌های پیشگیری مشکلات رفتاری و تحصیلی ناشی از مشکلات فراوان، مشکل افراد در برقراری ارتباط با دیگران و نا پابندی به قوانین و مقررات اجتماعی رویارو هستند.

مهارت‌های زندگی، مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که زمینه‌ی سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورد. این توانایی‌ها، فرد را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های اجتماعی خود را بپذیرد و بدون زیان رساندن به خود و دیگران، با خواست‌ها، انتظارات و مشکلات روزانه، بویژه در روابط بین فردی، به گونه‌ای کارآمد رو به رو شود (طارمیان، ۱۳۷۹).

بر پایه‌ی بیانیه‌ی سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی‌های روانی و اجتماعی به افراد آموزش داده می‌شوند و آنها را قادر می‌سازند تا به گونه‌ای کارآمد با نیازها و کشمکش‌های زندگی رو به رو شوند (سازمان بهداشت جهانی، ترجمه‌ی نوری قاسم آبادی و محمد خانی، ۱۳۷۷)، البته، تعاریف زیادی در این زمینه وجود دارد، ولی روی هم رفته می‌توان چنین گفت که همگی به آماده ساختن افراد برای زندگی فردی و اجتماعی بهتر می‌پردازند. با توجه به مطالب ذکر شده در بالا و تلاش‌های کارشناسان گوناگون طی دهه‌های اخیر، در جهت آماده کردن نسل جوان برای بهتر زیستن و پرداختن به موضوع مهارت‌های زندگی، بررسی و مقایسه‌ی میزان مهارت‌های زندگی<sup>۱</sup> بین دانش آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار در سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش مورد بررسی قرار گرفتند.

## پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش در زمینه‌ی الگوی وایلز و باندی و بر اساس متغیرهای آن بکر می‌باشد و اغلب پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی مهارت‌ها، به تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی پرداخته‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

<sup>۱</sup> - Life Skills

ارسطویی (۱۳۷۳) در مطالعه‌ی ای به بررسی ارتباط خود پنداره با جنسیت و پیشرفت تحصیلی پرداخته است که در این پژوهش خود پنداره و نگرش به خود، در دانش آموزان پسر نسبت به دختران مثبت تر است.

بیابانگرد (۱۳۷۸) طی پژوهشی، رابطه‌ی بین عزت نفس، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی را مورد بررسی قرار داد و بین سه متغیر یاد شده رابطه‌ی مثبت و قوی بدست آورد.

در پژوهشی که به وسیله‌ی اسماعیلی (۱۳۸۰) انجام شده است، اثر آموزشی درس مهارت های زندگی در «تعامل با شیوه های فرزندپروری در عزت نفس دانش آموزان استان اردبیل» مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که عزت نفس (خودپنداری) دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند بالاتر از دانش آموزانی است که نگذرانده اند. این یافته با نتایج پژوهش های «انجمن روان شناسی آمریکا» «برابری می کند، بدین معنی که آموزش مهارت های زندگی بر افزایش عزت نفس دانش آموزان تأثیری مثبت دارد.

در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب که به وسیله‌ی جعفری منش در سال (۱۳۸۲) در مورد دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان کرج انجام گرفت، نشان داد که: پس از گذراندن درس مهارت های زندگی، عزت نفس دانش آموزان و سازگاری اجتماعی آن ها به گونه ای معنا دار افزایش یافته است.

بهاری (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان انجام داده است. نمونه‌ی وی ۳۰ نفر از دانشجویان بوده اند و ایشان مهارت های اعتماد به نفس و خودآگاهی (خود پنداری) را به این گروه آموزش داده اند. نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزش مهارت های زندگی موجب افزایش سلامت روان دانشجویان می شود.

واشقانی (۱۳۸۴) طی پژوهشی در مورد تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهر تهران نتیجه گرفت که بین عزت نفس دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند و دانش آموزانی که این درس را نگذرانده اند و همچنین بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند و دانش آموزانی که این درس را نگذرانده اند، تفاوتی معنی دار وجود دارد، ولی بین عزت نفس دختران و پسرانی که درس مهارت های زندگی را گذرانده اند تفاوتی معنی دار وجود ندارد.

هاشمی در سال (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان بروجن» انجام داده و به این نتایج دست یافت که بین رشد اجتماعی دانش آموزانی که آموزش مهارت های زندگی را گذرانده اند و

آن‌هایی که نگذرانده‌اند و همچنین بین رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر که آموزش مهارت‌های زندگی را نگذرانده‌اند، تفاوتی معنا دار وجود ندارد. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که آموزش مهارت‌های زندگی را نگذرانده‌اند و آنها که نگذرانده‌اند، تفاوتی معنی دار وجود دارد. موسوی در سال (۱۳۸۵) با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس (خود پنداره) دانش آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه‌ی شهر ایلام پژوهشی را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش عزت نفس و سلامت روان دانش آموزان دختر گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل می‌شود.

پژوهشی در زمینه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی در سال (۱۹۸۴) در ایالت تگزاس آمریکا به وسیله‌ی سازمان آموزش و پرورش آن‌جا انجام گرفت و این نتیجه بدست آمد که زنان بیش‌تر از مردان توانایی انجام کار و نیازهای آینده را ترسیم می‌کنند (فلمینگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

هولاند<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) آورده است، مارش<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) رابطه‌ی مثبت و معنادار بین فعالیت مشارکتی، پیشرفت تحصیلی، خود پنداره‌ی تحصیلی و اجتماعی بدست آورد. وی بر این باور است که مشارکت فعال منجر به افزایش تعهد نسبت به مدرسه و ارزش‌های تحصیلی می‌شود که به گونه‌ی مستقیم به افزایش موفقیت تحصیلی منجر می‌گردد (تابش، ۱۳۸۶).

آلبرتین<sup>۴</sup> و همکارانش (۱۹۹۷) در پژوهشی پیرامون تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کارگران در آفریقای جنوبی به نتایجی مثبت دست یافتند. مهم‌ترین ویژگی گروه آزمایش مربوط به توانایی آنان در کنترل مسائل و مشکلات، انگیزش در کار و فعالیت در جهت توانایی آنان در داشتن نقش فعال در زندگی، رویارویی بهتر با شرایط زندگی و تغییر در توانایی آنان در احساس مسئولیت فردی اجتماعی بود. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از این بود که گروه آزمایش نسبت به جنبه‌های شناختی در روابطشان با دیگران بینش و آگاهی بدست آوردند، میزان احترام و اطمینان به خود در آنها افزایش یافت و به خود پنداره‌ی مثبت رسیدند و مسئولیت‌پذیری فردی، برنامه‌ریزی برای آینده و توانایی تفکر انتقادی در آنها افزایش یافت (کادیش و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). در مطالعه‌ی ای که در ایالات متحده در سال‌های (۱۹۹۸-۱۹۹۷) در مورد تأثیر آموزش بر تکرار عمل ضد اجتماعی انجام شد، نتیجه بدست آمده حاکی از آن بود که بیش‌تر افرادی که در

<sup>۱</sup>- Fleming

<sup>۲</sup>- Holland

<sup>۳</sup>- Marsh

<sup>۴</sup>- Albertean

<sup>۵</sup>- Kadish

کلاس‌های آموزشی شرکت داشتند، از ارتکاب دوباره‌ی جرم پرهیز کرده و معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کردند. برای زندانیان ایالات متحده نیز برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی در نظر گرفته شده بود و در این کلاس‌ها بیش‌ترین تأکید بر روابط خانوادگی و کنترل خشم و استرس بود. زندانیان شرکت‌کننده در این جلسات آموختند که چگونه گذشته‌ی خود را جبران و روابط خانوادگی خویش را حفظ کنند و بهبود ببخشند. این زندانیان با سیستم انضباطی زندان، سازگارتر بودند و بازگشت دوباره‌ی آنها به زندان نیز کاهش چشمگیر داشت (گریس یانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

در مطالعه‌ی کواتمن و واتسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) که روی نوجوانان دختر و پسر انجام گرفت، مشخص شد که در عزت نفس، تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. به گونه‌ای که پسران اندکی بیش از دختران از عزت نفس برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش اوبرین<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد. پسران به گونه‌ای معنادار در برخی از ابعاد عزت نفس از قبیل خودآگاهی کلی، شایستگی تحصیلی و مهارت فردی و خانوادگی بالاتر از دختران بودند. همچنین آنان در مقابل چالش‌های زندگی کم‌تر از دختران دارای واکنش روانی بودند و با مهارتی بالاتر به رویارویی با مشکلات می‌پرداختند

در پژوهشی که در سال (۲۰۰۲) برای برنامه‌ی پیشگیری از سوء استفاده از مواد مخدر روی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و دوره‌ی متوسطه‌ی دبیرستان انجام گرفت، نشان داده شد که دانش‌آموزانی که مهارت‌های زندگی را آموزش دیده بودند، آموزش‌ها را در خود توسعه می‌دهند و بسیار بعید است که درگیر رفتارهای خطرآمیز شوند (داویز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲).

سمیر کوتا<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) در کتاب خود با عنوان اضطراب، استرس و رویارویی با آن به پژوهشی که در رابطه با سازگاری پس از حادثه‌ی مردان فلسطینی و ارتباط آن با خود پنداره‌ی ایشان انجام داده، اشاره نموده است. یافته‌های او نشان داده‌اند که میزان سازگاری پس از وقوع حادثه در مردان فلسطینی با نوع خودپنداره‌ی ایشان ارتباطی معنادار دارد. به بیان دیگر افرادی که خود پنداره‌ی مثبت از خود داشتند، در رویارویی با استرس سازگاری بیش‌تری از خود نشان دادند.

مطالعه‌ی اسمیت<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به گونه‌ی شایان توجهی به کاهش مصرف الکل و مواد مخدر در جوانان منجر می‌شود.

1- Grace young

2- Quatman & Watson

3- O brien

4- Davis

5- Samir Qouta

6- Smith

اسمیت و گری<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند آموزش مهارت‌های زندگی اثری معنی دار بر توانایی‌های رهبری و مدیریتی در جوانان دارد.

در سازمان رسمی زندان سانفرانسیسکو برنامه‌ی مهارت‌های زندگی برای کنترل خشم زندانیان در زندان و بازگشت موفقیت آمیز آنان به زندگی طراحی شد که این برنامه برای ۳ سال در زندان مرکزی سانفرانسیسکو با موفقیت اجرا گردید (شوارتز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

در این پژوهش به بررسی و مقایسه‌ی مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار بر اساس الگوی وایلز و باندی، در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ پرداخته شد. این پژوهش به متغیرهای دهگانه‌ی مطرح در این الگو می‌پردازد.

### پرسش اصلی پژوهش

با بررسی و مقایسه‌ی میزان مهارت‌های زندگی در بین دانش آموزان دختر و پسر سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کار دانش مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار، بر اساس الگوی وایلز و باندی به چه نتایجی دست می‌یابیم؟

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی است. این پژوهش در دو سطح اسنادی و میدانی صورت گرفته که در سطح کتابخانه‌ای به بررسی پیشینه و در سطح میدانی روش پیمایشی را مورد استفاده قرار داده است.

جامعه‌ی آماری که نمونه از آن گرفته شده است، شامل ۳۰۴۱ نفر از دانش آموزان دختر و پسر سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ بوده اند. حجم نمونه به تعداد ۳۴۲ نفر با استفاده از جدول مورگان تعیین شد. از آنجا که فهرست مدارس و افراد جامعه قابل دسترسی است، لذا با در نظر گرفتن تعداد افراد هر گروه نسبت به جامعه، زیر گروهها به همان نسبت در نمونه انتخاب گردید، بنابراین شیوه‌ی نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای بوده است.

<sup>۱</sup> - Smith&Gery

<sup>۲</sup> - Schwartz

### ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق ساخته با مقیاس لیکرت و بر اساس متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های بیان شده در الگوی وایلز و باندی بوده است. پرسش‌ها متناسب با هدف‌ها طراحی شده که شامل ۴۰ پرسش بسته پاسخ چند ارزشی (خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) بوده است که پس از اعتبار‌یابی و هماهنگی، در اختیار نمونه‌ی مورد بررسی قرار گرفت و پس از تکمیل، جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روایی این پرسشنامه با در نظر گرفتن شاخصه‌های الگوی مربوطه و مشورت با اساتید محترم بدست آمد. اعتبار آن از راه نرم افزار SPSS و با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، بیش از ۰/۸۴ بدست آمد که اعتبار بالایی را نشان می‌دهد.

### روش تحلیل داده‌ها

از آنجا که بررسی و مقایسه، در این پژوهش مد نظر بوده است، لذا از آزمون کروسکال والیس جهت مقایسه‌ی سه شاخه و از آزمون من یو ویتنی برای مقایسه‌ی دو جنسیت استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

با توجه به داده‌های موجود در جدول ۱، فرض برابری در بین سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش با استفاده از آزمون کروسکال والیس در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی ( $P < 0/231$ )، اهمیت سازمان ( $P < 0/224$ )، حل مشکل ( $P < 0/355$ )، جستجوی دانش ( $P < 0/162$ )، عادت‌های خوب عقلی و جسمی ( $P < 0/348$ )، رفتار همکارانه ( $P < 0/066$ )، خویشتن‌پنداری ( $P < 0/669$ )، جهت‌یابی به خانواده ( $P < 0/976$ ) و جهت‌یابی به آینده ( $P < 0/513$ ) پذیرفته شده است. بر این اساس نمی‌توان پذیرفت در این موردها، بین سه شاخه اختلاف معنی‌داری وجود دارد، اما بر پایه‌ی نتایج مندرج در جدول ۱، تفاوت بین سه شاخه در متغیر آماده برای تغییر با اطمینان ۰/۹۶۲، معنی‌دار است.





میانگین رتبه در متغیر پیشرفت تحصیلی، حل مشکل، عادت های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و خویشتن پنداری از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کاردانش، در متغیر اهمیت سازمان، به ترتیب در شاخه های نظری، فنی حرفه ای و کاردانش، در متغیر جستجوی دانش و جهت یابی به آینده، به ترتیب در شاخه های نظری، کاردانش و فنی حرفه ای، در متغیر آماده برای تغییر، به ترتیب فنی حرفه ای، کاردانش و نظری و در متغیر جهت یابی به خانواده، به ترتیب شاخه های کاردانش، فنی حرفه ای و نظری مشاهده می شود.

همچنین با استفاده از آزمون من ویتنی فرض برابری بین دختران و پسران انجام شد که بر اساس نتایج جدول ۲، متغیر پیشرفت تحصیلی ( $P < 0/001$ )، جستجوی دانش ( $P < 0/022$ )، عادت های خوب عقلی و جسمی ( $P < 0/000$ )، رفتار همکارانه ( $P < 0/003$ ) و جهت یابی به آینده ( $P < 0/007$ ) در بین دختران و پسران تفاوتی معنی دار دارد.

همچنین در متغیر اهمیت سازمان ( $P < 0/122$ )، حل مشکل ( $P < 0/202$ )، خویشتن پنداری ( $P < 0/848$ )، آماده برای تغییر ( $P < 0/068$ )، جهت یابی به خانواده ( $P < 0/149$ ) بین دختران و پسران اختلافی معنادار مشاهده نمی شود.

میانگین رتبه ی پسران در تمامی متغیرها بالاتر است.



**رتبه بندی بر مبنای آزمون فریدمن**

جدول ۳- آزمون فریدمن برای مقایسه ۱۰ مهارت

معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو	تعداد
.	۹	۲۶۳/۲۲۷	۳۴۲

در آزمون فریدمن، فرض صفر این است که نظرات دانش آموزان (در کل نمونه) نسبت به هریک از مهارت‌ها یکسان است. از آنجایی که معنی داری آزمون  $0/000$  بدست آمده است، فرض صفر در سطح ۵ درصد و با اطمینان بالایی رد می‌شود. یعنی نظرات دانش آموزان نسبت به هر مولفه یکسان نیست. نظر به نگرش دانش آموزان و با توجه به آزمون فریدمن می‌توان گفت که متغیرها به ترتیب رتبه چنین هستند: رفتار همکارانه، جهت یابی به خانواده، اهمیت سازمان، پیشرفت تحصیلی، جهت یابی به آینده، حل مشکل و خویشتن داری، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، آماده برای تغییر و جستجوی دانش.



### بحث و نتیجه گیری

با توجه به موضوع پژوهش و نبود پژوهش‌هایی مانند این، نمی‌توان مقایسه‌ای دقیق با پژوهش‌های انجام‌شده‌ی دیگر انجام داد. البته پژوهش‌هایی درباره‌ی نیازسنجی مهارت‌های زندگی برای طبقه بندی مهارت‌ها وجود دارد، اما بیش‌تر در داخل و یا خارج از کشور در زمینه‌ی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عامل‌های گوناگون (از نوع همبستگی) می‌باشند، لذا نمی‌توان وجه اشتراک بین این پژوهش که از نوع توصیفی است و دستاوردهایش را با سایر پژوهش‌ها مد نظر قرار داد و در مورد تأیید یا عدم تأیید آنها سخن گفت.

بسیاری از پژوهش‌ها در حیطه‌ی مهارت‌های زندگی، به مهارت حل مسئله تعلق دارند و گویی این مهارت نظر بسیاری از پژوهشگران را جلب کرده است، اما در وادی پژوهش، بسیاری از متغیرهای الگوی مورد نظر این پژوهش دور از نظرها مانده است. با توجه به تعاریفی که پیش‌تر از متغیرها آمده و همچنین نتایج بدست آمده، می‌توان به اختلاف بین شاخه‌ها و دو جنس پی برد، بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان در مورد دانش آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان گرمسار گفت:

در بین سه شاخه‌ی نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، اهمیت سازمان، حل مشکل، جستجوی دانش، عادت‌های خوب جسمی و عقلی، رفتار همکارانه، خویش‌پنداری، جهت‌یابی به خانواده و جهت‌یابی به آینده اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود. در مورد متغیر آماده برای تغییر بین سه شاخه‌ی یاد شده اختلاف معنادار است.

در مورد متغیرهای اهمیت سازمان، حل مشکل، خویش‌پنداری، آماده برای تغییر و جهت‌یابی به خانواده نمی‌توان اختلافی بین دختران و پسران قائل شد. در مورد متغیرهای پیشرفت تحصیلی، جستجوی دانش، عادت‌های خوب عقلی و جسمی، رفتار همکارانه و جهت‌یابی به آینده بین دختران و پسران در متغیرهای یاد شده، با اطمینان دست کم ۰/۹۵ اختلاف وجود دارد.

میانگین رتبه در متغیر پیشرفت تحصیلی، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های فنی حرفه‌ای، نظری و کاردانش مشاهده می‌شود. شاید نحوه ارائه‌ی درس‌ها، کاربرد شیوه‌ای کارگاهی و انجام کارهای عملی در شاخه‌ی فنی حرفه‌ای از عامل‌های ایجاد این دستاورد باشد و یا از آنجا که در شاخه‌ی کاردانش آزمون‌های نهایی وجود ندارد، تلاش در سایر شاخه‌ها بیش‌تر است تا بتوانند هنگام برگزاری امتحانات به شیوه‌ی نهایی از عهده‌ی آن برآیند، البته اختلاف بین شاخه‌ها معنی‌دار نیست. میانگین رتبه‌ی پسران بالاتر است و اختلاف بین دو جنس معنی‌دار است و این در حالی است که در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۲) که با پژوهش اوبرین و

همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، به این نتیجه رسیدند که پسران به گونه‌ای معنادار از نظر تحصیلی بالاتر از دختران هستند.

میانگین رتبه در متغیر اهمیت سازمان، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های نظری، فنی حرفه‌ای و کاردانش مشاهده می‌شود که شاید به خاطر نحوه‌ی ارائه‌ی درس‌ها و چگونگی برگزاری کلاس‌ها باشد و روشن است که موقعیت کارگاهی و انجام کارهای عملی، فضایی آزادانه‌تر اقتضا می‌کند، ولی در شاخه‌ی نظری اصول کلیشه‌ای‌تر در سازمان کلاسی حاکم است. برای مثال در کارگاه خیاطی و آشپزی رشته‌ی مدیریت خانواده (کاردانش) فضایی متفاوت با کلاس درس نظری وجود دارد، البته اختلاف معنی‌دار بین شاخه‌ها وجود ندارد. در مقایسه‌ی دو جنس، پسران بالاترند، ولی اختلاف معنی‌دار نیست. اگر چه پژوهشگر توقع داشت که دختران به دلیل دقت بیش‌تر و حساسیت به رعایت اصول اهمیت سازمان در این زمینه بهتر باشند، اما به احتمال زیاد به دلیل این که خانواده و جامعه از هر دو جنس انتظار دارند به موقع بیایند و بروند و سایر اقدام‌های مربوط به اهمیت دادن به این مؤلفه را انجام دهند، این نتیجه بدست آمده است و یا شاید به هنگام پاسخگویی به پرسشنامه ترجیحاً گزینه‌ی بهتر را انتخاب کرده‌اند.

میانگین رتبه در متغیر حل مشکل، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های فنی حرفه‌ای، نظری و کاردانش مشاهده می‌شود که می‌تواند به دلیل وجود زمینه‌ی مساعدتر جهت اقدام خلاقانه در رویارویی با چالش‌ها در انجام فعالیت‌های درسی شاخه‌ی فنی حرفه‌ای باشد، البته اختلاف معنی‌دار بین شاخه‌ها وجود ندارد. در مقایسه‌ی دو جنس، پسران میانگین بالاتری دارند که آن هم می‌تواند به دلیل فرهنگی که معمولاً می‌خواهند پسران را در رویارویی با مشکل مقاوم‌تر آورند باشد، البته اختلاف بین دو جنس معنی‌دار نیست. در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۱) نیز که با نتایج اوبرین و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، پسران نسبت به دختران با مهارت بالاتری به رویارویی با مشکلات می‌پردازند.

میانگین رتبه در متغیر جستجوی دانش، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های نظری کاردانش و فنی حرفه‌ای مشاهده می‌شود شاید به این دلیل که دانش آموزان در شاخه‌ی نظری بیش‌تر به مطالعه و پژوهش کتاب‌ها و در دو شاخه‌ی دیگر به کارهای عملی می‌پردازند، البته اختلاف بین شاخه‌ها معنی‌دار نیست. در مقایسه بر حسب جنسیت پسران بالاترند در حالی که چنین انتظار می‌رود که هر دو جنس در این متغیر نگرشی مشابه داشته باشند، اما اختلاف دو جنس معنی‌دار است.

میانگین رتبه در متغیر عادت‌های خوب عقلی و جسمی، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه‌های فنی حرفه‌ای، نظری و کاردانش و بدون اختلاف معنی‌دار بین شاخه‌ها مشاهده

می شود. در بررسی بین دو جنس پسران بالاتر و اختلاف بین دو جنس معنی دار است که این می تواند به دلیل مشارکت بیش تر پسران در برنامه های ورزشی و توان بیش تر برخورد با فشارهای روانی (که از شاخصه های این متغیر در الگوی بیان شده است) باشد.

میانگین متغیر رفتار همکارانه در مورد پسران، از بیشینه به کمینه، به ترتیب در شاخه های فنی حرفه ای، نظری و کار دانش و بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. این نتیجه می تواند نتیجه ی بیش تر بودن کارهای عملی و گروهی در شاخه ی فنی حرفه ای نسبت به سایر رشته ها باشد. در مقایسه ی دو جنس، پسران بالاتر و اختلاف معنی دار است. شاید تنوع رشته های فنی حرفه ای در هنرستان های پسرانه ی شهر گرمسار، نسبت به دختران و در پی آن تنوع در انجام کارهای عملی و گروهی پسران، در بدست آمدن این نتیجه مؤثر بوده است.

میانگین رتبه در متغیر خویشتن پنداری، از بیشینه به کمینه، به ترتیب فنی حرفه ای، نظری و کار دانش، البته بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. در مقایسه ی دو جنس پسران بالاترند، ولی اختلاف معنی دار نیست، در حالی که در پژوهش کواتمن و واتسون (۲۰۰۲) که با پژوهش اوبرین و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد، نیز مشخص گردید که در عزت نفس (خویشتن پنداری) تفاوت جنسیتی وجود ندارد، اما ارسطویی (۱۳۷۳) در پژوهش خود دریافت که خود پنداره و نگرش به خود در دانش آموزان پسر نسبت به دختران مثبت تر است.

میانگین رتبه در متغیر آماده برای تغییر، از بیشینه به کمینه، به ترتیب فنی حرفه ای، کار دانش و نظری می باشد و بین شاخه ها اختلافی معنی دار مشاهده می شود. شاید به این دلیل که دانش آموزان فنی حرفه ای کم تر از دانش آموزان نظری درگیر رویه ی ثابت تدریس و مطالعه هستند و با شرکت در فرایندهای عملی و گروهی، آماده برای تغییر بوده و خود را جهت کسب شغل مفید و مورد علاقه در کارهای گوناگون مورد آزمایش قرار می دهند. در مقایسه دو جنس پسران بالاترند که شاید به دلیل پویایی بیش تر آنان باشد.

میانگین رتبه در متغیر جهت یابی به خانواده، از بیشینه به کمینه، به ترتیب شاخه های کار دانش، فنی حرفه ای و نظری و بدون اختلاف معنی دار بین شاخه ها مشاهده می شود. در مقایسه ی دو جنس، پسران بالاترند و این می تواند به اقتضای فرهنگی و اهمیت جایگاه خانواده باشد، البته اختلاف معنادار نیست.

میانگین رتبه در متغیر جهت یابی به آینده، از بیشینه به کمینه، به ترتیب نظری، کار دانش و فنی حرفه ای و بدون اختلاف معنی دار است. پسران از دختران بالاتر و اختلاف معنی دار می باشد و این شاید به دلیل موقعیت عرف و اجتماع و این که پسران به دلیل فرهنگ رایج به عنوان مدیر و ترجیحاً نان آور خانواده ی آینده تلقی می شوند و باز تر بودن افق آتیه برای آنان

باشد، البته با توجه به گفته‌ی فلمینگ (۲۰۰۰)، بر پایه‌ی پژوهش سازمان آموزش و پرورش آمریکا در ایالت تگزاس (۱۹۸۴)، زنان بیش تر از مردان، توانایی کار و رفع نیازهای آینده را دارند و این با یافته‌ی این پژوهش همخوانی ندارد.

نظر به نگرش دانش آموزان و با توجه به آزمون فریدمن می توان گفت که متغیرها به ترتیب رتبه چنین هستند: رفتار همکارانه، جهت یابی به خانواده، اهمیت سازمان، پیشرفت تحصیلی، جهت یابی به آینده، حل مشکل و خویشتن داری، عادت های خوب عقلی و جسمی، آماده برای تغییر و جستجوی دانش.

### منابع

- اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۰). بررسی اثر آموزش مهارت های زندگی در تعامل با شیوه فرزندپروری بر عزت نفس دانش آموزان استان اردبیل. فصلنامه پیام مشاور، شماره ۶، سال سوم.
- ارسطویی، هاید. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط خودپنداره با جنسیت و پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا.
- بهراری، سیف ...، شفیق پور، محمدرضا. (۱۳۸۴). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روانی دانشجویان. طرح پژوهشی، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۸). روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- تابش، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سازگاری عاطفی، اجتماعی و آموزشی دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۵ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.
- جعفری منش، مریم. (۱۳۸۲). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب حالت صفت در دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان کرج. پایان نامه ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- خنیر، حسین، پورحسینی، مژده. (۱۳۸۷). مهارت های زندگی. تهران: هاجر.
- سازمان بهداشت جهانی (۱۳۷۷). برنامه آموزشی مهارت های زندگی (ترجمه ربابه نوری قاسم آبادی و پروانه محمدخانی). تهران: معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور
- طارمیان، فرهاد. (۱۳۷۹). مهارت های زندگی. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- کلهر، منصوره. (۱۳۸۷). نقش کارکنان مدرسه در پیشگیری از گرایش دانش آموزان به مصرف مواد مخدر، نشریه پیوند، شماره ۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷.
- موسوی، سیدمحمد. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان و عزت نفس دانش آموزان دختر سال اول متوسطه مدارس شهر ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.



واشقانی، زهرا. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهر تهران. فصلنامه بهداشت مدارس ایران، دوره ۲، شماره ۱.

هاشمی، بهروز. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهرستان بروجن، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده.

Kadish .T .E & Glaser.B.A.&Calhom.G.B.&Ginter.E.J. (2001)Identifying the developmental strengths of juvenile offenders;Assessing four life skills.Journal of addictions&offender counseling;21(2);11-85

Grace young.C.(2002).Voluntary educational program participation ,personality characteristics and the recidivism of federal felons.Dissertation for degree of ph.D. Gonzaga University

Davis .K.(2002).Life skills 4kids,Wate are life skills,Life skills training...,Provider training).

Qouta,Samir (2003).Resiliency factors Predicting psychological adjustment after political violence,[<http://www.gcmhp.net/research1.htm>].

Fleming , J.E offord, D.R. and Boyle,M.H. (2000). Prevalence of child hood and adolescent depression in the community: Ontario child health study . British Journal of Psychiatry.155,647- 654.

Quatman.T,Watson.Cm.(2001). Gender differences in adolescent self-ESTEEM: An exporation of domans.Journal of Genetic psychology,162(1).93-25

Smith, E. A. (2004 ).Evaluation of life skills training and in fased life skills training in a raval

Smith, T.A. Genry,L.S,kertring,S.A.(2005)Evaluating a youth leader v ship skills.v pevelopment program.Journal of Extensive .A36.

Schwartz.S.(2005).Life skills for prisoners program.Journal of correctional education;56(2);115-123

